

بازنمایی مشکلات فرایند اجرای پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها: یک مطالعه کیفی*

علی زارعی*^۱، محمد جوادی پور^۲، کیوان صالحی^۳

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۲/۰۷

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۵/۰۷

چکیده

این پژوهش با هدف واکاوی مشکلات فرایند اجرای پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویان دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه تهران و ارائه راهکارهایی برای رفع مشکلات موجود انجام شد. پژوهش حاضر در چارچوب رویکرد کیفی و با روش پدیدارشناسی انجام شد. میدان پژوهش، دانشگاه تهران بود و مشارکت‌کنندگان ۸ نفر از دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه تهران بودند که از طریق نمونه‌گیری هدفمند از نوع ملاکی تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. داده‌ها با استفاده از مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته جمع‌آوری شدند. تحلیل داده‌ها با استفاده از روش جیورجی و در پنج گام انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان داد که ادراک دانشجویان تحصیلات تکمیلی از مشکلات دانشجویان در فرایند اجرای پایان‌نامه‌ها و رساله‌هایشان به ۷ مضمون کلی شامل مشکلات دانشجویان یا عوامل فردی (۹ زیرمضمون)، مشکلات اساتید (۱۰ زیرمضمون)، مشکلات کلان جامعه (۸ زیرمضمون)، مشکلات بروکراتیک (۸ زیرمضمون)، مشکل در انتخاب موضوع (۲ زیرمضمون)، مشکلات مادی (۳ زیرمضمون) و مشکلات اجرا (۲ زیرمضمون) را شامل می‌شود.

واژگان کلیدی: مشکلات، پایان‌نامه، رساله، دانشجویان، پدیدارشناسی

*این مقاله برگرفته از یافته‌های پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول این مقاله می‌باشد.

۱. دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) azarei@ut.ac.ir

۲. دانشیار گروه روش‌ها و برنامه‌های آموزشی و درسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۳. استادیار گروه روش‌ها و برنامه‌های آموزشی و درسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

مقدمه

امروزه آموزش عالی دولتی، نقش محوری در بخش‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جوامع ایفا می‌کند (عباس‌پور و همکاران، ۱۳۹۳). آموزش عالی در ایران به دلیل رشد اعجاب‌انگیز کمی و تلاش برای درآمدزایی، ماهیتی منحصر به فرد پیدا کرده است و این امر شرایط پژوهشگران را ملزم می‌سازد تا ابعاد مختلف دانشگاه ایرانی را با نگاهی نقادانه مورد بررسی و تأمل قرار دهند (صفایی‌موحد، ۱۳۹۸). یکی از گلوگاه‌های مخاطره آمیز آموزش عالی در این مدت، رشد تحصیلات تکمیلی بوده که با توجه به اهمیت مضاعف آن نسبت به بقیه دوره‌ها از پیشرفت چشمگیری برخوردار بوده است (زارعی، ۱۳۹۸) به دیگر سخن، گفتمان در آموزش عالی ایران نسبت به سایر کشورها با تأخیر همراه بوده است (عباس‌پور و همکاران، ۱۳۹۵) و مدیران آموزش عالی به دنبال راه‌های افزایش تعداد دوره‌ها و رشته‌ها هستند (زارعی و دهقانی، ۱۳۹۷). آموزش عالی، مظهر رشد و توسعه اطلاعات و دانش و تأمین‌کننده قدرت جوامع در عرصه رقابت جهانی است. انتظار می‌رود مراکز علمی محل اندیشه‌ورزی و شاگردپروری فرهیختگان و قلب یک جامعه پویا و زنده باشد (قاسمی و صالحی، ۱۳۹۷).

پژوهش از راه‌های اصلی پیشرفت و ترقی مادی و معنوی هر کشوری محسوب می‌شود. پژوهش وجه مهمی از فعالیت‌های انسان شده است و دانش بشری به کمک پژوهش رشد می‌کند، گسترش می‌یابد و سرانجام به گسترش مرزهای معرفت و دانش پژوهی می‌انجامد. پیشرفت‌های هر جامعه‌ای در نتیجه پژوهش به دست آمده است. افزون بر آن پژوهش یاری‌رسان انسان در پیدا کردن راه حل مسأله و حل تضادها است (کومار^۱، ۱۳۹۰). در جهان امروز به‌ویژه در کشورهای توسعه‌یافته، شاهد آن هستیم که سیستم‌های آموزشی برای مبنای قرار دادن پژوهش در امر یادگیری تلاش می‌کنند و آموزش نحوه پژوهش را از سال‌های ابتدایی تحصیل ضروری می‌دانند. در دوره آموزش عالی و تحصیلات تکمیلی، پایان‌نامه به عنوان پژوهش جدی و گسترده‌ای برای دانشجویان مطرح می‌شود و در واقع اجرا و نگارش پایان‌نامه تحصیلی، آن‌ها را به یک چالش فرا می‌خواند (بهی‌مهر، ریاحی‌نیا و منصوریان، ۱۳۹۳).

پایان‌نامه در دیکشنری آکسفورد تعریف شده است به عنوان "یک مقاله بلند یا پایان‌نامه شامل پژوهش‌های شخصی، نوشته شده توسط نامزد برای یک مدرک دانشگاهی" (دیکشنری آکسفورد، ۲۰۱۸). پایان‌نامه به دلیل این که آموزش دانش، مهارت و روش‌شناسی پژوهش برای دانشجویان است، دارای اهمیت ویژه می‌باشد. پژوهش‌ها در داخل کشور بیانگر این است که بیشتر پژوهش‌ها، مانند مطالعات (پوررجب‌قاضی‌محلّه، ۱۳۸۸؛ پورنقی و خسروی، ۱۳۹۷؛ قائمی‌پور، کرمی و امین‌خندقی، ۱۳۹۴؛ میزانی، خبیری و سجادی، ۱۳۹۰؛ ملکی، حاجی‌تبار، قاسم‌تبار، ۱۳۹۰)، پوزیتیویستی و از نوع کمی‌گرایانه است و کم‌تر پژوهشی در حوزه پدیدارشناسی کار شده است. قاسمی و صالحی (۱۳۹۷) در مطالعه خود به این نتیجه دست یافتند که رونق یافتن مؤسسات مقاله‌نویسی می‌تواند نشاط و پویایی مراکز علمی و دانشگاهی را از درون با چالش‌هایی جدی همراه و آن‌ها را در تحقق رسالت‌شان در ارزش‌آفرینی و زمینه‌سازی رفاه و توسعه پایدار و متوازن جامعه، با مشکلات دو چندان مواجه نماید. در پژوهش دیگری، صفایی‌موحد (۱۳۹۰) در رساله دکتری خود، ملاک‌های مورد نظر دانشجویان علوم تربیتی در انتخاب استاد راهنما را شامل ویژگی‌های رفتاری استادان، موقعیت استادان، معیارهای آکادمیک، معیارهای غیرآکادمیک، میزان حمایت احتمالی و محدودیت‌ها می‌دانست، درحالی که دانشجویان رشته ریاضی ملاک‌های نسبتاً متفاوتی را در انتخاب استاد راهنما مد نظر قرار می‌دهند، مانند: سبک نظارت پژوهشی، ویژگی‌های علمی استادان، ویژگی‌های شخصیتی استادان، معیارهای غیرآکادمیک، محدودیت‌ها (صفایی‌موحد، ۱۳۹۰). در پژوهش پورنقی و خسروی (۱۳۹۷) که به روش کمی انجام گرفته بود، میانگین نگرش دانشجویان ۲/۴۹ بود که نشان از نگرش مناسب آن‌ها و حساسیت‌هایی بود در عمل به شکل رفتار مقابله با سرقت علمی که یکی از مشکلات پایان‌نامه‌نویسی بود، نشان داده‌اند. تمامی دلایل مورد پرسش اعم از دلایل پژوهشی، فردی، آموزشی و اجتماعی-فرهنگی، جزء دلایل سرقت علمی بیان شده‌اند. در میان دلایل به طور کلی بیشترین دلیل مربوط به رواج مدرک‌گرایی، نداشتن مهارت کافی برای انجام پژوهش، ضعف زبان انگلیسی و سهولت انجام سرقت علمی بیان شده است. در این بین بیشترین دلایل ارتکاب به سرقت علمی از دیدگاه کاربران در مجموع مربوط به دلایل پرورشی هم‌چون (نداشتن مهارت کافی برای انجام

پژوهش، ضعف زبان انگلیسی، آشنایی اندک با نحوه صحیح ارجاع‌دهی و نقل قول، نداشتن مهارت‌های تحلیل انتقادی و ارایه استدلال، نداشتن دانش کافی و درک درست درباره سرقت علمی و ضعف زبان نگارشی) می‌باشد. پس از دلایل پژوهشی، دلایل اجتماعی - فرهنگی و پس از آن دلایل آموزشی قرار دارند. کم‌ترین دلایل مربوط به سرقت علمی نیز در مجموع مربوط به دلایل فردی هم‌چون (نداشتن اعتماد به نفس کافی برای ارایه کار، مشکلات شخصی، نداشتن توانایی کنترل استرس انجام پژوهش، بی‌علاقگی به رشته تحصیلی، بی‌علاقگی به موضوع پژوهش، ناتوانی در مدیریت زمان) می‌باشد. قائمی‌پور، کرمی و امین‌خندقی (۱۳۹۴) به این نتیجه رسیدند که همه پایان‌نامه‌ها در اشاعه معیارهای سودمندی، قابلیت کاربرد و درستی در سطح ضعیف و در اشاعه معیارهای دقت و مسئولیت‌پذیری ارزشیابی در سطح متوسط ارزشیابی شدند (قائمی‌پور و همکاران، ۱۳۹۴). در ادامه نجف‌آبادی، چشمه‌سهرابی و افشار (۱۳۹۰) نیز عوامل متعددی را که موانع مهم کاربرد پایان‌نامه‌ها بود را شناسایی کردند، از قبیل ضعف سیستم اطلاع‌رسانی و ارتباطی، ضعف مدیریتی، مسائل حقوقی، فرهنگی، مالی و پشتیبانی، ضعف تخصصی استادان و غیره، اما یکی از موانع اصلی کاربرد پایان‌نامه‌ها، مربوط به مشکل‌هایی در پیوند با ساختار و محتوای پایان‌نامه‌ها است که شامل مواردی چون انتخاب موضوع نامناسب، معتبر نبودن نتایج پایان‌نامه و ضعف ساختاری و شکل ظاهری پایان‌نامه‌ها است (نجف‌آبادی، چشمه‌سهرابی و افشار، ۱۳۹۰). در دیگر پژوهش، ابراهیمی (۱۳۹۰) به این نتیجه دست یافت که دانشجویان در بین سه حوزه آموزش و پرورش، آموزش عالی و سازمان‌های تولیدی-خدماتی بیشترین سهم پایان‌نامه‌ها مربوط به سازمان‌های تولیدی - خدماتی و آموزش عالی است و با سیر نزولی جامعه آماری مسائل آموزش و پرورش مورد بررسی قرار گرفته است و در بررسی عوامل تأثیرگذار بر انتخاب پایان‌نامه، دانشجویان مجموعه عوامل مربوط به امکانات پژوهش و آینده شغلی را به‌عنوان اصلی‌ترین عوامل برگزیده‌اند و همواره روش کمی اصلی‌ترین انتخاب دانشجویان بوده است.

همچنین پژوهش‌ها در خارج از کشور بیانگر این است که دانشجویان در مجموعه وظایف استاد راهنما به ۳ مورد زیر تأکید بیشتری داشتند که در پژوهشی که در کشور تایلند انجام شده است، به خوبی مشهود است: ۱- راهنمایی در ساختار پایان‌نامه و رساله ۲- دادن اعتماد به نفس به دانشجو در هنگام کار با استاد راهنما ۳- پذیرش این که پایان‌نامه

کاری مشترک است. همچنین به ترتیب، موارد زیر را از جمله دیگر وظایف استاد راهنما در نظارت پژوهشی مؤثر دانسته‌اند: ۱- گوش دادن به مشکل دانشجو ۲- کمک و وادار کردن دانشجو برای غلبه بر موانع ۳- راهنمایی دانشجو برای رسیدن به سطح بالایی از دانش ۴- حمایت عاطفی از دانشجو ۵- تنظیم طرح یا مدیریت پروژه با توجه به شرایط دانشجو ۶- راهنمایی دانشجو برای مطالعه اسناد و تحقیقات مرتبط ۷- دادن اطلاعات در مورد کارشناسان و پژوهشگران در حوزه مورد مطالعه ۸- برگزاری جلسات مشاوره و راهنمایی بر اساس شرایط دانشجو ۹- آموزش چگونگی دفاع از پایان‌نامه ۱۰- آگاهی دادن به دانشجو در مورد آخرین فرصت دفاع ۱۱- راهنمایی دانشجو برای چگونگی انتشار پژوهش یا چاپ مقاله مستخرج از پایان‌نامه ۱۲- آموزش تفکر انتقادی به دانشجویان (مونپو، ۲۰۱۳). همچنین در پژوهش دیگری که در مناطق هراره^۲ و بولایو^۳ در دانشگاه باز زیمباوه^۴ انجام گرفته بود، یافته‌ها منتج به ۳ دسته از چالش‌هایی که دانشجویان دوره کارشناسی در مناطق مورد مطالعه در دانشگاه زیمباوه^۵ در پژوهش‌های خود داشتند، مطرح شد. چالش‌های مطرح شده مربوط به معلم، دانشگاه و دانشجو بودند (ماپولیس^۶ و مافا^۷، ۲۰۱۲). در مطالعه دیگری که در کشور سوئد انجام شده بود، پژوهشگران پی بردند که دیدگاه دانشجویان در هنگام شروع پایان‌نامه در دو دسته کلی جای می‌گیرد؛ یکی دانشجویانی که پایان‌نامه را مثبت تلقی کرده و نگرش مهمی به آن دارند و گروه دیگری که پایان‌نامه را یک کابوس می‌دانند. همچنین پژوهشگران عمده‌ترین نگرانی و مشکلات دانشجویان را یافتن و انتخاب موضوع، موانع نگارشی مانند آشنایی اندک با زبان علمی و نیز آشنایی اندک با روش پژوهش و شیوه نگارش پایان‌نامه برشمرده‌اند (لاندرگرن^۸ و هالورسون^۹، ۲۰۰۹). با توجه به مرور منظم پیشینه پژوهش و نبود مطالعه‌ای عمیق برای واکاوی مشکلات فرایند اجرای پایان‌نامه و رساله‌های دانشجویان، این پژوهش قصد دارد

-
1. Mhunpiew
 2. Harare
 3. Bulawayo
 4. Zimbabwe Open University (ZOU)
 5. Republic of Zimbabwe
 6. Tichaona Mapolisa
 7. Onias Mafa
 8. Lundgern
 9. Halvarsson

تا با استفاده از رویکردی عمیق و ژرف‌انگر و اکتشافی، مشکلات فرایند اجرای پایان‌نامه و رساله‌های دانشجویان دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه تهران را مورد واکاوی و بررسی قرار دهد، بنابراین سؤال اصلی در این پژوهش این است که از نظر دانشجویان مهم‌ترین مشکلاتی که دانشجویان دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه تهران در فرایند انجام پایان‌نامه دارند، چیست؟

روش

برای درک پدیده‌های اجتماعی از روش پژوهش کیفی استفاده می‌شود (دلاور، ۱۳۹۳) و چنانچه پژوهشگر بخواهد ساختار و معنای ضمنی یک پدیده را با توجه به معنایی که افراد از آن در زندگی خود تجربه کرده‌اند آشکار نماید، از روش پژوهش پدیدارشناسی استفاده می‌شود (بازرگان، ۱۳۹۴). پدیدارشناسی مطالعه ماهیت‌هاست و با این روش به دنبال یافتن تعاریفی از ماهیت‌ها مانند ماهیت ادراک یا ماهیت هوشیاری هستیم (مرلوپنتی^۱، ۱۹۹۶؛ به نقل از زارعی و دهقانی، ۱۳۹۷).

پژوهش حاضر مبتنی بر روش پدیدارشناسی^۲ توصیفی است. با توجه به موضوع پژوهش و با توجه به دیدگاه بازرگان برای انجام پژوهش‌های آموزشی که بتواند راه‌گشای شناخت عمقی عناصر آموزشی باشد، باید از روش‌های کیفی استفاده نمود (قربانخانی و صالحی، ۱۳۹۶). در پژوهش حاضر تلاش شده با استفاده از رویکرد تفسیر‌گرایانه، ضمن درک ادراک دانشجویان از مشکلات فرایند اجرای پایان‌نامه و رساله‌های دانشجویان دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه تهران بازنمایی شود. میدان پژوهش، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه تهران بوده است که از دانشجویان آن مصاحبه‌هایی به عمل آمد. به دلیل ماهیت پژوهش از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شده است؛ این گونه که ابتدا مصاحبه شونده‌گان در جریان موضوع بحث قرار گرفتند و از آن‌ها درخواست شد تا به پرسش‌های پژوهش جواب دهند، سپس در ادامه روند مصاحبه در جهت هدف پژوهش توسط پژوهشگر هدایت شد.

جمع‌آوری داده‌ها آنقدر ادامه پیدا کرد که امکان دست پیدا کردن مضمون‌ها و زیرمضمون‌ها وجود داشته باشد، اما وقتی به اشباع داده‌ها برسد، نیازی به افزایش تعداد

1. Merleau-Ponty

2. Phenomenology

افراد گروه نمونه ندارد. در این حالت، داده‌های جدیدی که در پژوهش وارد می‌شوند، طبقه‌بندی موجود را عوض نمی‌کنند. حدّ اشباع نظری ۸ نفر از دانشجویان بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدف‌مند از نوع ملاکی متناسب با موضوع پژوهش ما انتخاب شدند. برای انجام مصاحبه، ابتدا با دانشجوی مورد نظر برای کسب رضایت صحبت شد و علاقه‌مندی به صورت انفرادی در دانشگاه مصاحبه می‌شد. زمان صرف شده برای هر مصاحبه انفرادی، بین ۲۰ تا ۴۰ دقیقه وقت صرف شد. پژوهشگر هم در طول مصاحبه با روش تعاملی و در قالب گفت‌وگو، به جستجوی سؤال پژوهش می‌پرداخت. بدین منظور با دانشجویانی آگاه به موضوع پژوهش و بیشتر از ۲ سال از تاریخ دانش‌آموختگی آنها نگذاشته بود، تمایل خود را به شرکت در پژوهش از طریق اظهار شفاهی اعلام کردند، مصاحبه شکل گرفته است. جدول ۱ ویژگی‌های شرکت‌کنندگان در پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۱. ویژگی‌های دانشجویان مورد مطالعه در پژوهش

ردیف	جنسیت	رشته تحصیلی	وضع تاهل	دوره تحصیلی	خوابگاهی/غیرخوابگاهی
۱	مرد	علوم تربیتی	متاهل	دکتری	غیرخوابگاهی
۲	مرد	علوم تربیتی	مجرد	ارشد	غیرخوابگاهی
۳	مرد	علوم تربیتی	مجرد	ارشد	خوابگاهی
۴	زن	علوم تربیتی	مجرد	دکتری	غیرخوابگاهی
۵	مرد	روانشناسی	مجرد	ارشد	خوابگاهی
۶	زن	علوم تربیتی	متاهل	ارشد	غیرخوابگاهی
۷	مرد	روانشناسی	مجرد	دکتری	غیرخوابگاهی
۸	زن	علوم تربیتی	مجرد	ارشد	غیرخوابگاهی

در مصاحبه از دانشجویان خواسته شد تا درک خود را از مشکلات فرایند اجرای پایان‌نامه و رساله‌های دانشجویان بیان کنند. در تحلیل داده‌ها از راهبرد ۵ مرحله جیورجی استفاده شد. بدین منظور گام‌های زیر طی گردید:

گام اول رسیدن به حس کلی از بیانیه‌ها، بدون بازاندیشی نقادانه در مورد تجربه مورد نظر ولی همراه با نگرش پدیدارشناسی است. مصاحبه‌ها با کسب اجازه از اطلاع‌رسان‌ها با

استفاده از نرم افزار Voice Memos ضبط شدند و قبل از انجام مصاحبه این نکته یادآور شد که به هیچ عنوان هویت اطلاع‌رسان‌ها فاش نخواهد شد.

(۱) گام دوم در تحلیل داده‌ها، مطالعه کلی توصیف به منظور دستیابی به حس کلی از متن مصاحبه است که به واسطه آشنایی پژوهشگر با اطلاعات کسب شده و رونویسی کلمه به کلمه داده‌های خام مصاحبه انجام می‌گیرد. تنها نکته‌ای که به عقیده جیورجی باید در این مرحله در نظر داشت، این است که کل متن مصاحبه باید مورد مطالعه قرار گیرد. چون دیدگاه پدیدارشناسی، دیدگاهی کل‌نگر می‌باشد. پس از انجام مصاحبه و ضبط مصاحبه، به صورت دقیق چندین بار مصاحبه‌ها پخش و بدون کم و کاستی روی کاغذ پیاده شدند.

(۲) این مرحله تفکیک واحدها نام دارد. برآیند نهایی تحلیل پدیدارشناسی، تعیین معانی تجربه است. زمانی که پژوهشگر متن مصاحبه را مطالعه نمود و به حس کلی از آن دست یافت، متن مصاحبه به آنچه که جیورجی آن را واحدهای معنا یا تمایز معنا می‌نامد، تغییر می‌یابد تا بدین وسیله با داده‌ها به عنوان واحدهای قابل مدیریت رفتار شود. هر مصاحبه به صورت موردی تحلیل شد تا روابط معنی داری که هر مصاحبه با موضوع مصاحبه دارد، مشخص شود.

(۳) تبدیل واحدهای معنایی به عبارات توصیفی از طریق تقلیل داده‌ها یا تبدیل واحدهای معنایی به عبارات مهم روان‌شناختی نام دارد. این مرحله، قلب این روش تحلیلی را تشکیل داده و از نظر جیورجی دشوارترین مرحله است. تمام مصاحبه‌ها و حالاتی که در حین مصاحبه وجود داشته، جمله به جمله خوانده شدند و جملات مهم و نکات کلیدی مشخص شده و طبقه‌بندی و مضمون‌بندی اولیه صورت گرفت.

(۴) در مرحله نهایی تحلیل داده‌ها، پژوهشگر ساختارهای خاص شناسایی شده در مرحله قبل را مورد بازاندیشی قرار می‌دهد. اختلافات موجود در تجارب افراد حذف شده و تنها بر ابعاد مشترک تجارب کلیه مشارکت‌کنندگان تمرکز و به عبارت دیگر تحلیل ترکیبی صورت می‌گیرد. چنین روندی امکان ظهور توصیف نهایی از پدیده مورد مطالعه را تحت عنوان توصیف عام یا اساسی فراهم می‌آورد. در واقع طبقه‌بندی و

مضمون‌ها و زیرمضمون‌ها به صورت دقیق و بر اساس هدف پژوهش، مشخص و تنظیم شدند (جیورجی، ۱۹۸۹).
 برای افزایش دقت و استحکام تأیید روایی و پایایی، اطمینان‌پذیری داده‌های مطالعه در بخش کیفی از روش‌های مختلفی استفاده شده است. در این پژوهش از ممیزی بیرونی، مرور دست‌نوشته‌ها، جستجوی شواهد متغیر و تحلیل موارد منفی و روش کنترل مداوم استفاده شد.

یافته‌ها

مرور منظم مصاحبه‌ها، کنکاش دقیق دیدگاه‌ها و مقایسه‌های متوالی مشکلات فرایند اجرای پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها از دیدگاه استادان دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه تهران، منجر به شناسایی ۷ مضمون اصلی و ۴۲ زیرمضمون شد. مضامین اصلی شامل: "مشکل در انتخاب موضوع"، "تسلط اندک به حوزه روش تحقیق"، "انقطاع مباحث نظری از مباحث عملی"، "مشکلات دانشجو"، "مشکلات استادان"، "قوانین و مقررات" و "مشکلات سازمان‌ها" می‌باشد که خود این مضامین، به تعدادی زیرمضمون تقسیم شدند.

۱- مشکلات دانشجو (عوامل فردی): در قدم اول مشکلاتی شناسایی گردید که به خود دانشجویان برمی‌گشت. نداشتن پیش‌زمینه، هدف نداشتن دانشجویان، نداشتن مهارت، بی‌انگیزگی دانشجو، نداشتن روش تحقیق، هزینه فرصت، کتاب محور بودن دانشجو، فاصله از دانشگاه و تجارب زیسته گذشته‌ها از زیرمضمون‌هایی بود که در این مطالعه شناسایی گردید.

۱-۱- نداشتن پیش‌زمینه: از زیرمضمون‌های پرتکرار مشکلات دانشجو (عوامل فردی) نداشتن پیش‌زمینه بود، به این معنی که دانشجویان از رشته‌های غیرمرتبط وارد رشته روان‌شناسی و علوم تربیتی شده بودند و این خود باعث بروز مشکلاتی گردید. چنان‌که اطلاع‌رسان‌های شماره ۱، ۵ و ۸ خاطر نشان می‌سازند: "یکی از مشکلاتی که من داشتم، این بود که دوره لیسانس غیرمرتبط بود، بعد دوره فوق اومدم رشته X. چون هیچ پیش‌زمینه‌ای نبود. حالا در ابتدا به کم آدم گیج و ویج می‌خوره چون که رشته لیسانس و فوق لیسانس غیرمرتبط بود."

۱-۲- هدف نداشتن دانشجویان: از مشکلات دیگر پرتکرار در زمینه مشکلات پایان‌نامه‌نویسی از دیدگاه دانشجویان دانشگاه تهران، هدف نداشتن دانشجویان بود، به این معنی که هنوز هدف از نوشتن پایان‌نامه و رساله‌های دکتری برای آن‌ها شناخته شده نبود و وسیله، هدف را توجیه می‌کرد چنان‌که اطلاع‌رسان‌های شماره ۲، ۵ و ۶ خاطرنشان می‌سازند: "روند اجرای پایان‌نامه خیلی مشکلات داره، از مهم‌ترینش این است که اساساً بچه‌ها نمی‌دانند که چرا باید پایان‌نامه بنویسن. با این که یک کار بیهوده و بی‌ارزشیه که صرفاً باید انجام بشه تا آن مدرک رو بچه‌ها بگیرن و بچه‌ها نه انگیزه‌ای برای انجام پایان‌نامه دارند، استادها هم همین‌طور، انگیزه بیرونی برای استادها فقط وجود داره، انگیزه بچه‌ها هم اینه که اون مدرک ختم می‌شه به اون کاغذی که اسمش ارشده، این مهم‌ترینشه که یعنی صرفاً چون یک تکلیفیه که یک عده‌ای در وزارت علوم با یک طرح درست توی ذهن اونا بوده که اومده مثلاً دانشجوی ارشد باید پژوهش هم بلد باشه و فلان. این مشکل اصلیه که بچه‌ها هدفشون رو نمی‌دونن چیه."

۱-۳- نداشتن مهارت: یکی از مشکلات اساسی در زمینه پایان‌نامه‌نویسی نداشتن مهارت دانشجویان بود. به این معنی که دانشجویان پس از گذراندن واحدهای آموزشی هنوز کفایت لازم در زمینه یک کار پژوهشی اصیل را پیدا نکرده‌اند و واحدهایی را که در دانشگاه پاس کرده‌اند، ارتباط کمی با پایان‌نامه و رساله آن‌ها داشته است، در حالی که در کشورهای پیشرفته دوره ارشد و دکتری دوره ری‌سرچ و تحقیقات میدانی است. مصاحبه‌های این زیرمضمون شاهد این مدعاست: اطلاع‌رسان‌های شماره ۲ و ۳ می‌گویند: "... ببینید من دانشجوی ارشدی هستم که تا حالا دانش آموز ندیده‌ام. دانش آموز دیده‌ام تو خیابون می‌ره‌ها، ولی باهاش سر و کار نداشتم. دانشجوی ارشد آموزش بزرگسالانی هستم که تا حالا با یه بزرگسال ننشسته‌ام صحبت بکنم تا ببینم واقعاً مشکلش چیه و اینو من تو دانشگاه باید یاد می‌گرفتم. این مثل آموزش پزشکیه دیگه، آموزش پزشکی از یه جایی به بعد تو بیمارستانه. بعد حالا دوره‌هایی که تو کارورزی در بیمارستان داریم، عین همون کلاس‌های خودمونه. مجموعه اتفاقات، ساختارهای فرهنگی ما هم در این وسط دخیله."

۱-۴- بی‌انگیزگی دانشجویان: انگیزه اندک دانشجویان برای کار پژوهشی باعث می‌شود که دانشجویان به کارهای سطحی و پژوهش‌هایی که صفر تا صد آن مشخص هستند، پردازند. بیشتر دانشجویان روان‌شناسی ترجیح می‌دهند به جای این که یک کار

آزمایشگاهی انجام دهند، یک پرسشنامه طراحی کنند و داده‌های همان پرسشنامه را تحلیل کنند و وارد بخش چهارم پایان‌نامه کنند، در حالی که کم‌تر به پژوهش‌های کیفی روی می‌آورند، چنان‌که اطلاع‌رسان‌های شماره ۲، ۳ و ۷ بیان می‌کنند: "انجام دادن یک پژوهش اصیل ارزشمند علمی خیلی نیاز به زحمت زیادی دارد، این‌یه مضمونی هم که گفتم همه مزید بر علت می‌شه که دانشجویها انگیزشون رو از دست بدن، نخوان انجام بدن. خود من اگه شاید دانشجو بهم بگه که من می‌خوام فلان کارو انجام بدم، بخوام منصرفش کنم بگم خودتو اذیت نکن، مثلاً سریع‌یه چیزی انجام بده. وقتی کسی قدر نمی‌دونه و حمایت نمی‌کنه و تشویقت نمی‌کنن، بی‌خیال شو. چرا خودتو زحمت بدی؟ چرا خودتو اذیت کنی؟"

۵-۱- ندانستن روش تحقیق: از زیرمضمون‌های اساسی که مربوط به مشکلات از سمت دانشجویان بود، یاد نگرفتن درست درس مهم و اساسی روش تحقیق بود، یعنی واحد روش تحقیق که در دانشگاه‌های مختلف تدریس می‌شود، گاهی کفایت لازم را در دانشجویان ایجاد نمی‌کند و دانشجویان نیز به دنبال یادگیری موضوعاتی که در کلاس درس یاد گرفته‌اند، نمی‌روند، چنان‌که اطلاع‌رسان‌های شماره ۱، ۲، ۴، ۷ و ۸ خاطرنشان می‌سازند: "یک مشکل دیگه که وجود داره، بچه‌ها روش تحقیق بلد نیستن، توی کلاس‌های روش تحقیق هم یاد نمی‌گیرن و دومین مسئله‌ایه که فلسفه روش تحقیق رو هم نمی‌دونن. مبانی روش تحقیق رو نمی‌دونن، یعنی الان بخوان توضیح بدهند که تفاوت عمده روش‌های رویکردهای مختلف کمی، کیفی، آمیخته چیه اینو نمی‌تونن قشنگ توضیح بدهند، حتی نمی‌تونن دفاع بکنن از این‌که چرا این روش رو انتخاب کردن."

۶-۱- هزینه فرصت: در علم کلیات اقتصاد، یکی از مباحث مهم، بحث هزینه و فرصت است، به این معنی که اگر دانشجو وقت خود را صرف انجام پایان‌نامه و رساله و گذراندن واحدهای آموزشی کند، از دیگر فرصت‌ها محروم خواهد ماند. به همین دلیل در این علم مطرح می‌شود که آیا آموزش سرمایه‌گذاری هست یا خیر. در حقیقت مصاحبه با دانشجویان این بحث را روشن خواهد ساخت. اطلاع‌رسان شماره ۲ می‌گوید: "... خب من می‌گویم من چرا باید اینقدر هزینه بکنم، هزینه زمانی، هزینه مالی و انواع و اقسام هزینه‌های دیگه. من هزینه فرصت دارم می‌کنم. زمان‌هایی رو که دارم وقت می‌زارم برای پایان‌نامه، نمی‌تونم کار دیگه‌ای رو بکنم. من می‌گم خب چرا پیام این کارو بکنم؟"

۷-۱- کتاب محور بودن دانشجو: از مشکلات شناسایی شده زمینه مشکلات پایان‌نامه‌نویسی دانشجویان، این است که دانشجویان به صورت عملی مسائل را لمس نمی‌کنند و بیشتر فقط تئوری مطالب را یاد می‌گیرند و فاصله زیادی بین نظریه و عمل وجود دارد. اطلاع‌رسان‌های شماره ۲ و ۳ می‌گویند: "... به مشکل دیگه اینه که بچه‌ها صرفاً با کتاب همه چیزو جلو می‌برن، یعنی فکر می‌کنن اون چیزی که تو کتاب نوشته شده دیگه درسته. هیچ کدومشون عملی و توی جامعه نبودن. بین الان که ما تقریباً داریم فارغ التحصیل می‌شیم و اینا، وقتی شما می‌ری تو جامعه می‌بینی که چقدر مشکلات وجود داره و چقدر این درسایی که تو خوندی بی‌ربطه به این مشکلات. تو نمی‌تونی کاری برای اینا بکنی. ما آموزش بزرگسالانیم دیگه، من یه مدّت رفتم توی مرکز بازتوانی بعد از اعتیاد؛ من دیدم واقعاً حالا من می‌خوام مثلاً این‌جا تغییر ایجاد بکنم. واقعاً نمی‌شه تغییر ایجاد کرد. چرا؟ چون جامعه این تغییر رو نمی‌تونه بپذیره و من اون قدرت رو ندارم و در جایگاه اون تغییر دادم نیستم. بین مثلاً من خیلی سعی می‌کردم با احترام رفتار بکنم با این افرادی که قبلاً مصرف‌کننده بودند. ولی اون کسی که اون‌جا مسئول بود کاملاً بی‌ادبانه می‌گفت باید توی سر اینا زد و فلان. می‌گفت تو نمیدونی. می‌خوام بگم ما یه چیزی تو کتاب‌ها می‌خونیم، یه اتفاقای دیگه‌ای ولی توی جامعه و توی فضای کار میفته."

۸-۱- فاصله از دانشگاه: بعد از اتمام واحدهای آموزشی، برخی از دانشجویان این مشکل را مطرح کردند که یک فاصله ایجاد می‌شد بین واحدهای آموزشی که خوانده‌اند و کار پژوهشی‌ای که باید انجام دهند، ایجاد می‌شد و این مشکل بیشتر مطرح شده از سمت دانشجویان فلسفه تعلیم و تربیت بود. چنان‌که اطلاع‌رسان‌های شماره ۱، ۲ و ۷ خاطرنشان می‌سازند: "... یکی دیگه این بود که یه کم انقطاع از دانشگاه به نظرم این که آدم ترم ۳ که تمام می‌شه دیگه می‌ره، وقتی که آدم می‌ومد دانشگاه و هم دانشگاهی‌هایش رو می‌دید، خب یه کم انگیزه داشت و ترم ۳ هم واحدهامون کم‌تر بود و دیگه آدم می‌رفت و خود این رفتن و فاصله افتادن برای من مشکل ایجاد می‌کرد."

۹-۱- تجارب زیسته گذشته‌ها: گفت‌وگوهایی که دانشجویان با ترم‌بالایی‌های خود داشتند، نشان از مشکلاتی بود که در صحبت‌های اطلاع‌رسان‌های پژوهش، نمایان است، چنان‌که اطلاع‌رسان‌های شماره ۲، ۳ و ۸ خاطرنشان می‌سازند: "شما اگر دانشجویی باشی که با استادها برخورد می‌کنی، با دانشجویان دکتری برخورد می‌کنی، با دانشجویانی که

این مرحله رو گذرونده‌اند، همه این‌ها می‌گویند پایان‌نامه‌رو یه چیز الکی بردار ۴ تا کپی پیست کن پیشینه و روشش رو هم کپی پیست کن، مقدمه و همه چیزش رو که سریع تمام بشه بری پی کارت. چون همه انگیزه اینه که این کاغذ (مدرکه) گرفته بشه که به من بگن فوق لیسانس، بعدش برم سراغ کارهام. چون انگیزه اصلی برای درس خوندن نیست، بچه‌هامون میان دانشگاه که چی بشه؟ کار بتونن پیدا کنن. اگه این کاره‌رو حل بکنید، یه نفر دیگه نمیدارشد بخونه. اگه به اساتید بگن آقا این پژوهشی که شما داری انجام می‌دی، چه بدی، چه ندی ما پولتو می‌دیم یا اصلاً بگن پول بهت نمی‌دیم، عمراً اگه هیچ کدوم از همین اساتید دانشگاه تهران ادامه بدن فرایند رو."

۲- مشکلات استادان: دومین مشکل شناسایی شده، مشکلاتی بود که از ناحیه استادان وجود داشت که این مشکلات شامل عدم مهارت انگیزه‌پروری در دانشجویان، نخواندن کار دانشجویی و دیربازخورد دادن، وقت نگذاشتن استادان، اختلاف بین استادان، بی‌انگیزگی استادان، نداشتن دانش به روز از سمت استادان، نبود اساتید مرتبط با حوزه پژوهش تخصصی، تفاوت قائل نشدن بین کار خوب از بد و مشکلاتی از این دست بود.

۱-۲- عدم مهارت انگیزه‌پروری در دانشجویان: عدم مهارت انگیزه‌پروری در دانشجویان، یکی از مشکلات پرتکرار در زمینه روند پایان‌نامه‌نویسی بود. متأسفانه برخی از استادان دانشگاه تهران وقت کافی صرف انجام پژوهش پایان‌نامه و رساله و همچنین انگیزه لازم را در دانشجویان ایجاد نمی‌کنند که به یک کار پژوهشی اصیل بپردازند. بنابراین سطحی به موضوع می‌پردازند و همین مسئله باعث می‌شود که مشکلاتی در روند پایان‌نامه‌نویسی ایجاد گردد، چنان‌که اطلاع‌رسان‌های شماره ۲، ۳، ۴ و ۸ خاطرنشان می‌سازند: "اهمیت ندادن استادها به کار پژوهشی و این‌که اساساً برایشون مهم نیست، دانشجویها در چه وضعیتی هستند. مثلاً در همه کتاب‌های رفتار سازمانی این‌ها بری می‌گه که شما صرفاً نباید از دانشجوی خواهی که کار انجام بده، باید ببینی چه مشکلاتی برای اون دانشجوی وجود داره که نمی‌تونه درس بخونه و انگیزه نداره."

۲-۲- حجم بالای کار استادان و ارائه دیرموقع بازخورد: برخی از استادان دانشگاه تهران متأسفانه وقت لازم را صرف راهنمایی و مشاورت دانشجویان خود نمی‌کنند و به دلیل مشغله‌های کاری فرصت لازم را در اختیار دانشجویان قرار نمی‌دهند و یا این‌که ایمیل خود را به موقع چک نمی‌کنند و از طریق شبکه‌های مجازی ارتباط لازم را با دانشجویان

برقرار نمی‌کنند. اطلاع‌رسان‌های شماره ۱، ۲، ۴ و ۸ خاطر نشان می‌سازند: "بعضی از اساتید حالا با توجه به این که تعداد زیادی دانشجو داشتن، خیلی دل به کار نمی‌دادن این یکی از مشکلات بود. یعنی خیلی استاد خوب و فلان حالا بعد کارتو می‌فرستادی پیشش، بعد مثلاً به هفته، دو هفته نمی‌خوند. بعد این خود فیدبک نشون ندادن استاد به کم ممکنه باعث دل سردی بشه."

۳-۲- تعهد اندک برخی از استادان نسبت به دانشجویان: سقف تعیین کردن برای گرفتن واحد پایان‌نامه و توجه به مرتبه استادان برای راهنمایی و مشاورت پایان‌نامه، از دیگر مشکلات شناسایی شده از طرف دانشجویان بود، در حالی که در این صورت به کیفیت کار توجهی نمی‌شود و صرفاً بعد کمی مدنظر قرار می‌گیرد، چنان که اطلاع‌رسان‌های شماره ۱، ۲، ۴، ۵ و ۸ بیان می‌کنند: "... مثلاً چقدر استاد می‌تونه واسه دانشجویش وقت بزاره، به عنوان مثال بیشتر از سه تا بعضی از استادها نمی‌تونن بگیرن، معیار دادنش واقعاً سخته‌ها. مثلاً چه استادی، چند تا. الان این شکلیه. مثلاً استادیار ۳ تا می‌تونه بگیره، دانشیار ۴ تا می‌تونه بگیره. استاد تمام هم ۴ تا. ولی ما واقعاً به دانشیار داریم که واقعاً ۲ تا هم زیاده، به استادیار داریم به خاطر این که جوونه و پر انرژی خب خیلی بیشتر می‌تونه بگیره و استاد اخلاق مدار باشد و باید یک تدبیری را ببندیشد و خود استاد اخلاق را رعایت کند. باید وقت کافی برای دانشجویش بگذارد. مخصوصاً مشکلی که هست استاد که سطحش بالا می‌رود مثلاً استادیارهای ما جوانند و خیلی با انگیزه‌ترند."

۴-۲- جنگ سرد بین برخی از استادان یا گروه‌های آموزشی: برخی از استادان متأسفانه بحث و جدلهایی، چه در زمینه علمی و چه در زمینه‌ای کاری دارند، وارد حیطه آموزشی و پژوهشی خود می‌کنند و این امر باعث می‌شود که به طور مناسب به برنامه‌ریزی برای دانشجویان نپردازند، گفته‌های دانشجویان شاهد این مدعاست. اطلاع‌رسان‌های ۲ و ۳ می‌گویند: "اساتید با هم اختلاف دارن و توی همون رفتار سازمانی می‌گه که شما باید این کارو بکنید که این اختلافه از بین بره. ببینید گروه ما و گروه‌های دیگه، حتی از برنامه‌ریزی برای ارائه کلاس‌ها، خیلی از گروه‌های ما عاجزند. یعنی به کلاس رو به ۳ تا استاد به دفعه می‌بینن ارائه دادن درس رو. سؤال این جاست که دانشکده‌ای که، گروهی که نمی‌تونه واسه خودش برنامه‌ریزی بکنه چه جوری این گروه یا این افراد می‌خوان برای جامعه برنامه‌ریزی کنن؟"

۲-۵- بی‌انگیزگی استادان: برخی از استادان به دلیل بی‌انگیزگی شغلی و فرصت‌های شغلی بیرون از دانشگاه به پروژه‌های پژوهشی دانشجویان خود توجهی نمی‌کنند که این امر منجر به ناامیدی دانشجویان آن‌ها می‌شود. اطلاع‌رسان‌های شماره ۲، ۵ و ۷ بیان می‌کنند: "یه مشکل دیگه اینه که اساتید بی‌انگیزه‌ای که براشون مهم نیست چه اتفاقی داره توی دانشکده می‌افته و چه بلایی سر دانشجو میاد. همه اینا سبب می‌شه که من بگم اصلاً پایان‌نامه به چه درد می‌خوره؟ کسی هم که انگیزه داره، در طول فرایند چی می‌شه؟ بی‌انگیزه می‌شه."

۲-۶- به روز نبودن استادان: استادان دانشگاه موظف هستند که با تغییرات تکنولوژی خود را به روز کنند. اگر استادی پاورپوینت سالیان گذشته خود را در کلاس نمایش دهد و هیچ تغییری در طرح درس و سبک تدریس خود ایجاد نکند، نمی‌توان شاهد اتفاقات خوبی در عرصه آموزش عالی باشیم. صحبت‌های مشارکت‌کنندگان این مفهوم را روشن می‌سازد. اطلاع‌رسان‌های شماره ۳ و ۵ و ۸ خاطرنشان می‌سازند: "بحث دیگه هم اینه که اساتید دانش به روزی ندارن. استاد باید دانش پویا و ذهن پژوهشگر نقّادی داشته باشد. زمانی که استاد چنین رویکردی داشته باشد دانشجویش هم همین رویکرد رو توی حوزه پژوهشی خودش در نظر می‌گیره، به‌عنوان یه الگو نگاه می‌کنه، ولی اساتید ما هیچ‌گونه ذهن نقّاد پژوهشگر خلاقیتی ندارند و تا بخوای مسئله خلاقانه یا مسئله نقّادانه یا مسئله خیلی عمیقی رو باهاشون مطرح کنی، طردت می‌کنند. می‌گن چه کسی مثلاً تو فکر چنین کاریه؟"

۲-۷- نبود بانک معرفت استادان در دانشگاه و دانشکده‌ها: کمبود ارتباط با اساتید سایر دانشگاه‌ها باعث می‌شود که دانشجویان در عمل با مشکلاتی مواجه شوند، گفته‌های مشارکت‌کنندگان در پژوهش این موضوع را روشن می‌کند. اطلاع‌رسان‌های شماره ۱ و ۷ خاطرنشان می‌سازند: "مشکل اصلی که وجود داشت همون ابتدای کار، پیدا کردن استادی بود که زمینه کاریش با من بخونه. یعنی من در یه حیطه‌ای می‌خواستم کار بکنم که فکر می‌کردم اساتید ما خیلی شاید توش کار نکرده باشن و تبحر نداشته باشن، به خاطر همین سخت بود برام پیدا کردن استادی که علاقه‌مند باشه به این موضوع."

۲-۸- تفاوت علم استاد و دانشجو: اطلاع‌رسان‌های شماره ۲، ۳، ۷ و ۸ می‌گویند: استاد می‌دونه که الآن مثلاً باید چه اتفاقی بیفته، ولی دانشجو نمی‌دونه، فرایند رو نمی‌دونه چه

جوریه. پروپوزال رو بلد نیست بنویسه. برای استاد خُب الآن بهش بدی، با هر موضوعی، از خودش هم می‌تونه پروپوزال بنویسه، چرا؟ چون اون ده‌ها ساله داره این کارو می‌کنه، ولی برای دانشجو یک موضوع جدید، اینو اساتید خوب جا نمی‌ندازن، برای دانشجو شرح نمی‌دن و زمانی هم برای دانشجو وجود نداره که بخواد اینو یاد بگیره و این توی ذهن دانشجو به قول گفتنی دم نمی‌کشه. از اون طرف می‌گن ۴ ترمه دفاع کن، از اون ور شما ۳ ترم وقت داری. خُب پس تو کی باید این فرایند پروپوزال‌نویسی و پایان‌نامه‌نویسی رو یاد بگیری؟ زمانی وجود نداره برای یادگیری. تورو فوری می‌فرستن توی محل. مثل این می‌مونه شما مثلاً جنگ شده، یه آدمی رو بدون این که آموزش درست حسابی بهش بدی، بفرستی برای جنگ. دیگه آزمون و خطا بچه‌ها می‌رن جلو. یه ذره از این مقاله بنویس، یه ذره از اون مقدمه بنویس، یه ذره از این چیز بنویس. با آزمون و خطا جلو می‌رن تا این که بالاخره یه پایان‌نامه‌ای از توش درمیا.

۹-۲- شناخت اندک نسبت به علایق و توانمندی استادان: اطلاع‌رسان‌های شماره ۱، ۲ و ۳ خاطر نشان می‌سازند: خب بعد من الآن شاید برگردم با توجه به این شناخت بیشتری که هم نسبت به موضوع پیدا کردم، هم اساتید، استاد راهنمام رو دیگه انتخاب نمی‌کردم یا استاد مشاور رو.

۱۰-۲- نبود سازوکار تشخیص پایان‌نامه‌های با کیفیت از کم کیفیت: اطلاع‌رسان‌های شماره ۲، ۳، ۵، ۷ و ۸ خاطر نشان می‌سازند: جالبیش هم اینه که اون کسی که زمان می‌زازه سر پایان‌نامه زحمت می‌کشه، با اونیه که می‌خره یکیه و تازه اونیه که می‌خره به واسطه این که کارش زودتر تموم می‌شه بیشتر از من موفق می‌شه، زودتر به کار می‌رسه و زودتر سربازی می‌ره. یعنی ما الآن عملاً کسی که خوب کار می‌کنه و زحمت می‌کشه رو ناخواسته تنبیه می‌کنیم، یعنی زحمت‌ها نادیده گرفته می‌شه، حتی علیه اون آدمی که زحمت کشیده، اتفاق می‌افته. یعنی این که بین من زحمت می‌کشم مثلاً یکسال روی پایان‌نامه کار می‌کنم، یه آدم دیگه‌ای هم هیچ کاری نمی‌کنه می‌ره از انقلاب می‌خره. اون آدمی که می‌ره از انقلاب خریده مثلاً ۴ ترمه درسش تموم می‌شه، زودتر می‌ره سربازی، زودتر می‌ره سر کار، منی که مثلاً یکسال وقت گذاشتم، ۵ ترمه یا ۶ ترمه تموم می‌کنم و تازه یه مدت هم از اون آدمی که رفته پول داده خریده عقب می‌افتم.

۳- مشکلات کلان جامعه:

۱-۳- دغدغه‌های جامعه: اطلاع‌رسان‌های شماره ۳، ۶ و ۸ می‌گویند: مسئله بعدی هم که می‌خواهم بگویم، مسئله خیلی حیاتی‌ه واسه من. مسئله بعدی این که من حقیقتش به واسطه یکسری دغدغه‌های اجتماعی آن‌چنان با این که حالتی از یک کار می‌گم که همه این مسائل و مشکلات رو باید توی یک سیستم خیلی کلان بسنجیم. توی سیستم کلان اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و بدون درک سیستم کلان اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ما نمی‌تونیم یک پارامتر آموزشی یا یک المان یا یک حوزه کوچیک آموزشی رو مورد نقد قرار بدیم. مثلاً من توی یک فضایی دارم زندگی می‌کنم که اون فضا روی من تأثیر می‌زاره و منم خواسته یا ناخواسته، نتیجه‌اش رو یا عملکردم توی حوزه آموزشی تضعیف می‌شه و از همین بابت، یکسری مسائل وجود داره، مثلاً مشکلات مالی و ... یا مسئولیت اجتماعی که خود من مثلاً واسه خودم قائلم، تا حدودی وقتم رو شاید اون وقتی که بخوام بزارم واسه پایان‌نامه و این‌ها رو اصلش رو نمی‌زارم. بعد مسئله دیگه هم که هست توی این فضای بحرانی امسال که من دارم این‌جا زندگی می‌کنم توی این فضای سال ۱۳۹۸ انواع بحران‌ها جامعه‌رو داره تهدید می‌کنه و منم می‌خواهم ببینم مثلاً من خودم علاقه‌ای ندارم که دو ساله پایان‌نامه تموم کنم و سعی استفاده کنم فعلاً تا بتونم به یه سری اهداف دیگه که دارم برسم.

۲-۳- مسئله ساختاری (نگاه کمی گرایانه): اطلاع‌رسان‌های شماره ۲، ۳ و ۷ خاطر نشان می‌سازند: بحث دیگه این که این مسئله به نظر من یه مسئله ساختاریه. مسئله ساختاری از این بابت که مشکل اینه که ارج و قربی نداره یه کار پژوهشی درست و حسابی به واسطه یکسری مسائل ساختاری و یک طوری ساختار وزارت علوم تحقیقات و فناوری و متعاقب اون تمام دستگاه‌های پژوهشی وجود داره که یک دیدگاه کمی‌گرایانه و فرمایشی و از بالا به پایین نسبت به پژوهش علمی دارن و این نوع دیدگاه منجر به این شده که اونا فقط و فقط پایان‌نامه تورو بخوان از این بابت که یه پایان‌نامه‌ای به پایان‌نامه دیگشون در هر سال اضافه بشه که آمار بیشتری داشته باشن، واسه این که بگن ما تولید علم کردیم و این تولید علمشون هم تولید علم کمی‌ه که بگن مثلاً ما چند تا پایان‌نامه داریم و اینا. بعد برن به عنوان در سطح مدیریت مثلاً وزارت علوم پُر این رو بدهند که ما اینقدر تولید علم کرده‌ایم. در صورتی که این کار درستی نیست و در بلندمدت منجر به این می‌شه که پژوهش‌ها چه فردی که بخواد یه پژوهش درستی رو انجام بده می‌بینه که هیچ تفاوتی بین اون فرد و

فردی که فقط و فقط به پژوهش همین‌طور سرهمی انجام داده و هیچ چارچوب علمی برایش وجود ندارد و بر اساس هیچ معیار علمی به پژوهش مناسب و کیفی شناخته نیست برابره و از همین بابت منجر به یأس و ناامیدی در بین اقشار مختلف دانشجویان می‌شود. حالا چه من و چه دوستان دیگر که حالا من توی خوابگاه دارم این به بحثه.

۳-۳- مسائل اجتماعی: اطلاع‌رسان‌های شماره ۳، ۵ و ۸ می‌گویند: مشکل اساسی اینه که وضعیت اجتماعی ماست. آدم بخواد به پروژه پژوهشی داشته باشه و اونو پیش ببره باید به خاطر آسوده‌ای داشته باشه، از نظر این که مسائل اجتماعی بهش فشار نیاره. اجتماعی منظورم: اجتماعی، اقتصادی، سیاسی در کلیت جامعمون هست. اون‌ها اگر به آدم فشار بیاره منجر به این می‌شه که من اون انگیزه لازم رو نداشته باشم یا اگه انگیزه‌ای هم باشه انگیزه‌ام کور بشه واسه پیشبرد مسئله پژوهشی‌ام.

۳-۴- مسائل اقتصادی: اطلاع‌رسان‌های شماره ۳، ۵ و ۷ می‌گویند: اون بحث اقتصادی، مثلاً من الآن خُب به‌عنوان دانشجوی کارشناسی ارشد هیچ فراز مناسبی پیش روی خودم نمی‌بینم به‌عنوان این که بتونم اون اهدافی که توی این برهه از سنم خُب بهش برسم رو، هیچ فرازی رو واسه اون جلوی چشمم نیست که بتونم به اون‌ها برسم. به اون اهدافی که دارم، جایگاهی که باید داشته باشم به‌عنوان یک دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه تهران و مسائل اقتصادی هست که هیچ، نگرانی از آینده، این نگرانی از آینده منجر به فشار روانی به خود شخص من و حتی دیگر دوستان و اینا شده، این به بحثه.

۳-۵- مسائل سیاسی: اطلاع‌رسان‌های شماره ۲ و ۸ خاطر نشان می‌سازند: بحث دیگه هم اینه که مسائل اقتصادی هم خودش ریشه در مسائل سیاسی داره که مسائل سیاسی هم تا گره‌گشایی در آن ایجاد نشه متعاقب اون مسائل اقتصادی هم رفع نمی‌شه. این دو تا مسئله، مسئله کلان اجتماعی هست که من می‌تونم نام ببرم به‌عنوان این که تأثیر میزازه روی من به‌عنوان یک پژوهشگر دانشجوی کارشناسی ارشد که بتونم وظیفه خودمو و اون پایان‌نامه‌ای که مد نظر دارم رو جلو ببرم. بحث دیگه هم بحث اینه که اگر ما این سری مسائل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی رو نبینیم، پس نمی‌تونیم در رابطه با مسائل خرد آموزشی و این‌طور چیزا بخوایم دست به قضاوت بزنینم.

۶-۳- مقاله در آوردن: اطلاع‌رسان‌های شماره ۲، ۳ و ۶ می‌گویند: به‌سری چیزهایی که نه به علم اضافه می‌کنه و نه به تولید علم می‌افزاید، مقاله‌نویسی است. تولید علم ما الآن شده مقاله‌نویسی، پایان‌نامه در آوردن.

۷-۳- افت جایگاه علم: اطلاع‌رسان‌های شماره ۲ و ۴ خاطر نشان می‌سازند: اساساً الآن علم و علم آموزی توی ایران به سمت بدی داره می‌ره، یعنی صرفاً افراد میان دانشگاه که یک مدرکی بگیرن، بعداً برن پُرش رو بدن و حتی دیگه پُز رو هم نمی‌تونن با مدرک بدن، چون همه، ارشد، دکتری؛ حتی اون شخصیت اجتماعیش هم دیگه تموم شد، الآن همه به هم می‌گن دکتر، حتی به حالت مسخره.

۸-۳- موانع کاربست یافته‌های پژوهشی: اطلاع‌رسان‌های شماره ۱، ۲، ۳ و ۵ خاطر نشان می‌سازند: من خودم همیشه سعی کردم این طوری باشم پژوهشی که می‌کنم انتهایش این باشد که به کمکی توی جامعه بکنه، یعنی یک بازدهی داشته باشد یا این که در یک پازلی یک پژوهش بزرگ‌تری باشد. به دونه از این‌ها قرار نیست مشکلی از جامعه حل بکنه. به دونه از این‌ها قرار نیست به جایی استفاده بشه.

۴- مشکلات بروکراتیک:

۱-۴- امضا کردن نامه: اطلاع‌رسان‌های شماره ۲ و ۳ خاطر نشان می‌سازند: حالا این وسط مشکلات بروکراتیک وجود داره که شما مثلاً یک نامه‌ای رو می‌خواید امضا بشه، یهو می‌بینی ۳، ۴ هفته طول می‌کشه. بلد نیستن. نه استاده بلده که تو باید چکار کنی نه مدیرگروهت بلده که باید چه فرایندی طی بشه، نه کارشناس آموزشی بلده. هیچ کس، هیچ کس بلد نیست که تو باید چه کار کنی یعنی تو با به ذهن خالی از بلد نبودن روش تحقیق، انگیزه نداشتن و هدف مشخص نبودن، حالا علاوه بر این‌ها مشکلات بروکراتیک هم میاد وسط. همه این‌ها باعث می‌شه که تو ندونی چیکار می‌خوای بکنی.

۲-۴- آیین نامه ۴ ترمه دفاع کردن: اطلاع‌رسان‌های شماره ۱، ۲، ۳ و ۸ خاطر نشان می‌سازند: الآن یک آیین نامه‌ای اومده که ارشد باید ۴ ترمه دفاع کنه. خب این اگه بخوای شما این کارو انجام بدی واقعاً و به کار خوب انجام بدی از توی این اتفاق درنیامد توی ۴ ترم که ۳ ترمش هم تو داری تحصیل می‌کنی. می‌خوایم بگیریم همه اتفاقات علیه دانشجویان پایان‌نامه. از استاد بگیر، از دانشجو بگیر، از فرایند بروکراتیکش بگیر تا بقیه دانشجویان که تجربه زیستشون این بوده.

۳-۴- کم کردن سنوات مجاز: اطلاع‌رسان‌های شماره ۲، ۳ و ۴ خاطرنشان می‌سازند: ما تا ۶ ترم می‌توانیم سنوات داشته باشیم، قبلاً بیشتر از این بود. یعنی همه چیز علیه دانشجو است. از سنوات بگیر، از سربازی برای پسرا بگیر تا چیزهای مختلف و مجموعه این‌ها سبب می‌شود که تو همی کم‌تر و کم‌تر بخوای اهمیت بدی به پایان‌نامه و دانشگاه.

۴-۴- مشکل در جلسات گروه: اطلاع‌رسان‌های شماره ۱، ۲، ۳ و ۴ خاطرنشان می‌سازند: یعنی مثلاً هر دو هفته یک‌بار جلسه گروه برگزار می‌شود که حالا اون‌جا می‌شینند تأیید و تکذیب می‌کنند، خوب آگه اینو فرایندش زودتر اتفاق بیفته، یعنی هر هفته باشه، مثلاً هر هفته‌ای که تو بازه‌هایی که بچه‌ها زیاد پایان‌نامه میدن، بازه‌ها مشخصه و اتفاقی بیفته زودتر کار بچه‌ها تصویب بشه، چون اینا همه استرسه برای بچه‌ها. یعنی برو حالا من می‌خونم اینو و تو می‌ری پیام میدی. استاده نخونده حالا من می‌خونم، می‌خونم، می‌خونم.

۵-۴- سختی در جمع‌آوری داده‌ها: اطلاع‌رسان شماره ۲ می‌گوید: همین دوست خودم پدرشو سر پایان‌نامه درآوردن، چون فرایند بروکراتیک دانشگاه مزخرف بود، داده‌های بیرونی رو هم بهش نمی‌دادن. برای گرفتن داده‌ها یکسال زمان گذاشت. یعنی می‌خوام بگم شما باید حالا موضوع و اینات رو هم که تصویب می‌کنی باید بدویی دنبال داده جمع کردن. حالا همه این‌ها به کنار که نه روش تحقیق بلدی، نه استاد باهات همکاری می‌کنه، نه هیچی و این‌ها لایه لایه مشکلات میاد بیرون و باری می‌شه روی تو.

۶-۴- عدم ارتباط با دنیای واقعی: اطلاع‌رسان شماره ۱، ۵ و ۶ خاطرنشان می‌سازند: آگه پایان‌نامه‌ها به جوری می‌شد که مثلاً توی بعضی از رشته‌های مهندسی این‌طوره که طرف استاد به پروژه صنعتی داشت (طراحی فلان)، بعد این دانشجوی دکتری که می‌آمد، این به بخشی از کار خودش رو می‌داد به این و نتیجه کار را می‌دید. منتهی در علوم انسانی این مسئله کم‌تر است، ولی حداقل باید به افقی نشون داده بشه.

۷-۴- نادیده گرفتن تلاش فرد (خاک خوردن پایان‌نامه‌ها): اطلاع‌رسان‌های شماره ۲، ۳، ۶ و ۸ می‌گویند: تلاش‌هایی که تو کردی پایان‌نامه پس چی می‌شه. الان تو همین دانشکده ما می‌ری پایان‌نامه رو سرچ می‌کنی، می‌بینی نیست کجاست؟ آشغال انداختند. یعنی شما می‌ای این همه زحمت می‌کنی، پایان‌نامه می‌کنی با هزینه زیاد، الآن سه نسخه مثلاً یکیش رو بدی به دانشگاه تهران، یکیش رو بدی به اونجا، چی فقط می‌مونه تو کتابخونه خاک می‌خوره.

۸-۴- آثار سوء تربیتی: اطلاع‌رسان‌های شماره ۲ و ۵ بیان می‌کنند: بیشتر فرایند پایان‌نامه و دفاع کردن و اینا شده یکسری تشریفات که مثل تابو شده، تشریفات فقط که هیچ ارزش علمی و فنی و هنری و فرهنگی نداره برای دانشجو. در واقع بیشتر حالت میس‌اجوکیشن^۱ شده، یعنی شما میای به اتفاق خوب یاد بگیری، چی یاد می‌گیری؟ این ور چه جوری تقلب کنی، چه جوری مثلاً استادت رو پیچونی، چه جوری مثلاً توی به موقعیتی بری که استاده سرش شلوغ باشه، سریع امضا بکنه، یعنی اینا چیزایی که تو فرایند پایان‌نامه‌نویسی یاد می‌گیری. چرا چون آگه یاد نگیری سرت کلاه می‌ره. مثلاً بگی نه حتماً استاد بخونه نه، تو سریع زمانی که استاد سرش شلوغه، اینو بهش بدی و بری مثلاً سر کلاسش که نتونه بهت بگه نه. سریع امضا بکنه. یعنی میس‌اجوکیشن یعنی چیزای بدی که تو یاد می‌گیری هم خیلی وجود داره.

۵- مشکل در انتخاب موضوع:

۱-۵- انتخاب موضوع: اطلاع‌رسان‌های شماره ۱، ۳ و ۷ خاطر نشان می‌سازند: یکی از مشکلاتی که من داشتم در ابتدای کار که احتمال می‌دم خیلی‌ها باهاش به مشکل بخورن، انتخاب موضوع بود که با توجه به این که رشته ما به رشته تقریباً بین رشته‌ای بود، چون از یک طرف فلسفه بود، از یک طرف تربیت و روانشناسی و این‌ها، از به طرف هم جامعه‌شناسی بود و اینم که آدم بخواد به موضوعی رو انتخاب کنه که تقریباً هم فلسفی باشه، هم تربیتی باشه، هم به عمل پیوند بخوره، هم به نظر پیوند بخوره، خُب به کار سختی بود.

۲-۵- تصویب موضوع: اطلاع‌رسان‌های شماره ۱ و ۲ خاطر نشان می‌سازند: بعد مرحله دوم هم اون دغدغه‌ای که به وجود میومد این تصویب خود موضوع بود که دقیقاً حالا مشخصاً باید چی باشه، خُب این مشکلی بود که ما در اول کار داشتیم.

۶- مشکلات مادی

۱-۶- کالایی شدن آموزش عالی: اطلاع‌رسان‌های ۲، ۳ و ۸ می‌گویند: همه چیز در جامعه ما مبتنی بر اتفاقات پولی و مادیشه. عمده افراد کم و بیش دچار رانت و فسادن. به خاطر زیستی که داریم تو جامعه می‌کنیم، مجبوریم یکسری اتفاقات رو بهش تن بدیم. وقتی یک استاد دانشگاه می‌بینه من ۱۰ سال درس خوندم، فقط برای رسیدن به دکتری و

غیره، قبلشم که ۱۲ سال خوندم، مجموعاً می‌شه ۲۰ و چند سال. ۲۰ و چند سال طرف درس خونده، می‌بینه یه آدمی با یه تلفن سگه جا به جا می‌کنه، ارز جا به جا می‌کنه و پول به جیب می‌زنه و می‌گم همه چیز در جامعه ما مبتنی بر پول است و همه چیز را بر اساس میزان پول، زندگی، مدل ماشین و غیره می‌سنجیم. این در واقع اون نیاز کاذبی که برای همه ما ایجاد می‌شه. اینو استاد هم می‌بینه که خب آقا من احساس می‌کنم که عقب افتاده‌ام از بقیه. من رفتم درس خوندم، اون نرفته درس بخونه و خب وضع زندگیش از من بهتره و خب همه این‌ها باعث می‌شه که اون استاد دانشگاه نسبت به فرایندها بی‌انگیزه بشه. گفتم ببینید شما اگه بخواید توی یک دانشکده‌ای یک پستی بگیرید، یکسری گروه‌ها وجود دارد تو دانشکده ما که مشخص‌اند گروه‌های قدرت. شما یا باید توی این گروه قدرت باشی، یا توی اون گروه قدرت تا بتونی به اون پست‌ها برسی و رسیدن به اون پست‌ها هم خُب بالاخره پست معاونت مثلاً فلان، یه مبلغی میاره روی حقوق. البته کارش هم زیاده‌تر می‌شه‌ها. ولی می‌خوام بگم مجموعه اون ساختار اجتماعی پرفساد و رانت ما، این که اتفاقات بر اساس روابطه نه ضوابط.

۲-۶- نداشتن پشتیبانی مالی از پایان‌نامه‌ها: اطلاع‌رسان‌های شماره ۲، ۳ و ۶ می‌گویند: مسئله بعدی هم اینه که سیستم آموزشی مخصوصاً در حوزه علوم انسانی هیچ پشتیبانی مالی واسه پایان‌نامه‌ها نداره و اگر هم پشتیبانی مالی باشه، در یه حوزه‌هایی که من شاید علاقه نداشته باشم، مثلاً اسلامی کردن علوم انسانی، شاید من علاقه نداشته باشم، باید من چیکار کنم؟ اگر پشتیبانی مالی انجام می‌گیره از همه دانشجویان پشتیبانی مالی بشه و در همه حوزه‌ها و موضوع‌ها باید پشتیبانی بشه، نه یه مسئله خاصی. اینم یه مسئله دیگست.

۳-۶- حمایت مالی ضعیف: اطلاع‌رسان‌های شماره ۷ و ۸ خاطر نشان می‌سازند: سر هزینه‌هاش باز یه مشکلی بود. این که مثلاً استاد علوم شناختی قرار بود از من حمایت مالی بکنه که الآن مثلاً یه بخشی‌اش رو کمک کرده، بقیه‌اش معلوم نیست چی شده. چون احتمالاً بودجه ندارن، پول ندارن، خیلی حمایت درست حسابی نمی‌تونن بکنن یا مثلاً بنیاد نخبگان قرار بود از من حمایت بکنه که اونم الآن درگیر پرونده‌های اداریه، اینو امضا کن اونو امضا کن، دوباره برگشت می‌دن یکی امضا نمی‌کنه، چند ماه صبر کن این کارای بروکراتیک مربوط به خودش هم هست و باز با این حال آزمایشگاه تخفیف خیلی خاصی می‌داد به ما ۸۰ درصد تخفیف می‌داد تو هزینه‌هامون، خیلی کمک کرد. ولی با این حال

اکثرشون رو من از جیب خودم دادم تا این که اینا لطف کنن به ما کمک کنن یا یک کمک هزینه‌ای رو بدن.

۷- مشکلات اجرا:

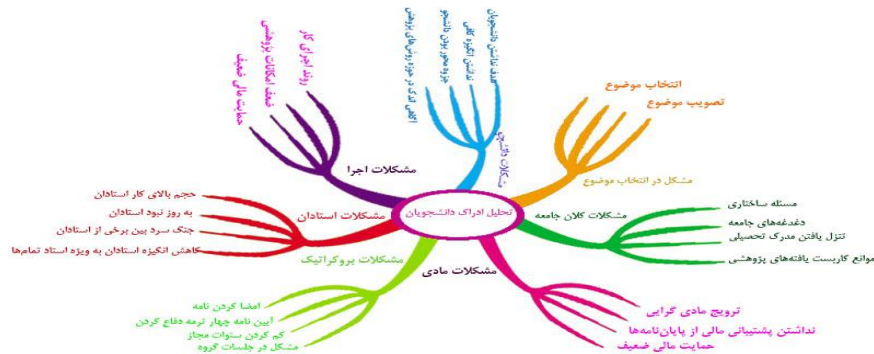
۷-۱- روند اجرای کار: اطلاع‌رسان شماره ۷ می‌گوید: بعد توی روند اجرا ما مشکل داشتیم. مثلاً من کارم MRI بود، خیلی‌ها فکر می‌کردن ما قراره کار خاصی باهاشون بکنیم، می‌ترسیدن، می‌گفتن که مثلاً چه بلایی می‌خوای سر ما بیاری؟ ضرر داره، اشعه داره. به خاطر همین مجبور شدم در خیلی از مواقع از دوستانم بخوام که بیان.

اطلاع‌رسان شماره ۵ می‌گوید: من چون رشته‌ام روانشناسیه، بنابراین باید برای پایان نامم نوار مغزی از افراد می‌گرفتم، ولی تو روند اجرای کارم با مشکل مواجه شدم، خیلی از بچه‌ها با این که ۴۰ هزار تومان بابت کارم بهشون می‌دادم، ولی راضی نمی‌شدن که تو پژوهشم شرکت کنن.

۷-۲- ضعف امکانات پژوهشی: اطلاع‌رسان‌های شماره ۵ و ۷ خاطر نشان می‌سازند: یه مشکل اساسی محلّ اجرای پژوهش، امکانات پژوهشی بود که من کارم چون MRI بود MRI مثلاً تنها جاییه که تجهیزات خاصیه، همه جا ندارن، ما یه کمبود خیلی اساسی داریم توی اسکنر (دستگاهی که بخوای باهاش F-MRI بگیری) یعنی قبلاً که اصلاً نبود. سه ساله آزمایشگاه نقشه‌برداری مغز این امکان رو فراهم کرده که دانشجویان برن اونجا پروژه تعریف بکنن، ولی خُب ایران چون تنها جاییه که برای کارای پژوهشی تعریف شده خیلی سرش شلوغه. یعنی من وقت می‌گرفتم برای چند ماه آینده و خُب این باعث می‌شد که مثلاً یه روز آزمودنی نتونه بیاد، می‌خواستم دوباره یه وقت جدید بگیرم و دوباره باید یه پروسه طولانی صبر می‌کردم. به خاطر همین این به نظر من مشکل اساسی، نبود تجهیزات لازم برای انجام کارم بود و به خاطر کم بودن تعداد جاهایی که همچین کاری رو انجام می‌ده خیلی ازدحام جمعیت بود توی مشتری‌های اونجا. بعد خود اون کار چالش‌های خودش رو داشت.

۷-۳- کمبود ارتباط با استادان دیگر دانشگاه‌ها: اطلاع‌رسان شماره ۷ می‌گوید: من مثلاً دانشجوی رشته روانشناسیم، کارم MRI بود. باید استاد مشاوره رو پیدا می‌کردم که بتونه توی این زمینه بهم کمک بکنه. خُب نمی‌شناختم. چون ما این جا خیلی ارتباطی نداریم با کسانی که کار MRI می‌کنن، کار مهندسی پزشکی و نورولوژیک و اینارو انجام می‌دن.

به خاطر همین چند نفر رو ایمیل زدم و بالاخره به اون شخصی که مد نظر بود و می‌تونست بهم کمک کنه رسیدم. به خاطر همین پیدا کردن استادی که بتونه بهم کمک کنه توی این زمینه مشکله دیگه‌ای بود.



شبکه مضامین ۱. مضمون‌ها و زیرمضمون‌های شناسایی شده مربوط به مشکلات پایان‌نامه‌نویسی دانشجویان دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه تهران

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت پایان‌نامه‌ها در پژوهش‌های مختلف کشورها، این مطالعه به منظور بازنمایی تجارب زیسته دانشجویان دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه تهران از مشکلات فرایند اجرای پایان‌نامه‌ها و رساله‌هایشان صورت گرفت و در این زمینه به چالش‌های پایان‌نامه‌نویسی در انجام فرایند پایان‌نامه منتج شد. اما آن‌چه به‌عنوان مشکلات مطرح شد، در چند مضمون اصلی ریشه دارد که به شرح ذیل است:

یکی از مشکلات شناسایی شده در این زمینه، مشکلات دانشجویان (عوامل فردی) بود. مشکلات دانشجویان زیرمضمون‌هایی شامل نداشتن پیش زمینه، هدف نداشتن دانشجویان، نداشتن مهارت بود که با پژوهش پورنقی و خسروی (۱۳۹۷) به خوبی هم‌راستا است، چرا که ایشان نیز در پژوهش خود نداشتن مهارت کافی برای انجام پژوهش را یکی از مشکلات اساسی یادآور شده بودند. بی‌انگیزگی دانشجویان که طبق یافته پژوهش پورنقی و خسروی (۱۳۹۷) نداشتن اعتماد به نفس کافی برای ارایه کار را در پژوهش خود عنوان

می‌کنند، کاملاً همراستا می‌باشد، در مقابل این یافته با پژوهش مونپو^۱ (۲۰۱۳) مبنی بر دادن اعتماد به نفس به دانشجو در هنگام کار با استاد راهنما همخوانی ندارد. ندانستن روش تحقیق، هزینه فرصت، کتاب محور بودن دانشجو که طبق یافته پژوهش پورنقی و خسروی (۱۳۹۷) مبنی بر نداشتن دانش کافی همسو و همگرا می‌باشد. می‌توان گفت که دانشجویان به شدت جزوه محور شده‌اند و از مرز کتاب‌محور نیز گذشته‌اند. برخی از دانشجویان یکی دو فصل کتاب یا جزوه را می‌خوانند و کمتر کتاب می‌خوانند و این یکی از چالش‌های اساسی در نظام آموزش عالی کشور است. اکثر دانشجویان اواخر ترم تحصیلی به کپی کردن جزوه هم‌کلاسی خود که به دقت در کلاس مطالب را یادداشت‌برداری کرده، می‌پردازند و فقط نمره قبولی، کفایت لازم را برای آن‌ها می‌کند، نه صرفاً یادگیری عمیق مطالب درسی. فاصله از دانشگاه، تجارب زیسته گذشته‌ها از دیگر یافته‌ها بود. مشکلات دانشجو که یکی از یافته‌های پژوهش حاضر است با یافته پژوهش ماپولیس^۲ و مافا^۳ (۲۰۱۲) که آن‌ها نیز به چالش ارتباط سه ضلع استاد، دانشگاه و دانشجو اشاره کرده‌اند منطبق است. با توجه به گستره وسیع مشکلات در حوزه مشکلات دانشجویان، اولاً پیشنهاد می‌شود دوره (واحد) تقویت نگارش متون علمی و ویرایش و ویراستاری آن برای دانشجویان در نظر گرفته شود، دوماً توانایی نگارش علمی دانشجویان از طریق ایجاد سرفصل آکادمیک نگارش علمی در دانشجویان تقویت شود، همچنین پیشنهاد می‌شود عملکرد دانشجویان در استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی-ارتباطی در تحلیل داده‌ها و نگارش پایان‌نامه تقویت گردد.

از دیگر مشکلات پرتکرار در روند پایان‌نامه‌نویسی، مشکلات استادان بود. مشکلات استادان شامل زیرمضمون‌هایی نظیر عدم مهارت انگیزه‌پروری در دانشجویان، ارائه بازخورد دیر موقع به دانشجویان بود که این یافته با پژوهش صفایی‌موحد (۱۳۹۰) که به وضوح به ویژگی‌های شخصیتی استادان در رسیدگی به کار دانشجو اشاره کرده بود همراستا می‌باشد. با توجه به پژوهش صفایی‌موحد (۱۳۹۸) به نظر می‌رسد چهار سبک رایج نظارت پژوهشی استادان در حوزه علوم رفتاری داریم که شامل سبک فرمانده - سرباز^۴،

-
1. Mhunpiew
 2. Tichaona Mapolisa
 3. Onias Mafa
 4. Commander-soldier style

سبک تسهیلگر - شبکه‌ساز^۱، سبک آزادگذارنده^۲ و در آخر سبک استثماری^۳ دانست که نتیجتاً باید دانشجویان بر طبق ویژگی‌های شخصیتی خود، سبک مناسب را در انتخاب استاد راهنما در حین گرفتن پایان‌نامه و رساله مطابقت دهند. حجم بالای کار استادان نیز نتیجه سرانه بالای دانشجو به استاد است، به طوری که به ازای هر ۱۰ دانشجو، یک استاد نیاز است، در حالی که الآن سرانه ۱ به ۳۰ تا ۴۰ است و بسیاری هم که استاد تمام شده‌اند یا پست‌های سازمانی خارج از دانشگاه گرفته‌اند، انگیزه و یا فرصتی برای کارهای پژوهشی دانشجویان خود ندارند و بیشتر فشارها روی استادپاران و یا استادان جوان است و این فشار منجر به این می‌شود که استادان دیرباز خورد دهند، بنابراین پیشنهاد می‌شود استادی‌دانشگاهی باید دست کم ده مرحله باشد که هر سه سال فرد بتواند به آن برسد تا زود استادان اشباع نشوند، الآن اشباع می‌شوند، چرا که نباید مراحل دانشگاهی تنها به این ۴ سطح ختم شود: مربی، استادیار، دانشیار و استادی. تعهد اندک برخی از استادان نسبت به دانشجویان، جنگ سرد بین برخی از استادان یا گروه‌های آموزشی بر سر منافع و دانشجو که یک مسئله غیرطبیعی در نظام آموزش عالی است، کاهش انگیزه استادان به ویژه استاد تمام‌ها یکی از مشکلات مهم در این مطالعه است، چون استاد تمام‌ها به بالاترین مدارج رسیده‌اند و برخی از آن‌ها متأسفانه همراهی لازم را در کار پژوهشی پایان‌نامه و رساله با دانشجویان نمی‌کنند، زیرا کار علمی تأثیری در رد یا درآمد آن‌ها ندارد، همچنین به نظر می‌رسد مبحث درآمد و هزینه اندک پایان‌نامه‌ها هم در افت انگیزه استادان بی‌تأثیر نیست، چرا که برخی از استادان به سراغ راهنمایی دانشجویان پردیس و دانشگاه آزاد اسلامی می‌روند، برای این که دانشگاه‌های مذکور، پول به روزتر و بیشتری می‌دهند و این مسئله را باید مورد توجه قرار داد. به روز نبودن استادان که یکی از یافته‌های این پژوهش است با پژوهش پورنقی و خسروی (۱۳۹۷) هم‌خوانی دارد، زیرا ایشان نیز به نداشتن مهارت‌های تحلیل انتقادی و رایه استدلال اشاره کرده‌اند. تفاوت علم استاد و دانشجو، شناخت اندک علائق استادان و در آخر تفاوت قائل نشدن بین کار خوب و بد از یافته‌های این پژوهش بود. نبود سازوکار تشخیص پایان‌نامه‌های با کیفیت و کم‌کیفیت هم از مشکلات شناسایی شده بود، یعنی این

-
1. Facilitative-networking style
 2. Laissez-faire
 3. Exploitative style

رویه حکم فرماست که هر گردی گردو محسوب می‌شود و این تأثیر منفی می‌گذارد، چرا که این مسئله منجر به این می‌شود که دانشجویان و استادان سطحی به موضوع بپردازند و زحمت افرادی که تلاش بسیاری صرف کار پژوهشی می‌کنند، نادیده گرفته شود. مشکلاتی که به استادان برمی‌گشت، یکی از مضمون‌های اصلی پژوهش حاضر است که با پژوهش ماپولیس^۱ و مافا^۲ (۲۰۱۲) مبنی بر ارتباط سه ضلع استاد، دانشگاه و دانشجو می‌باشد انطباق دارد. با توجه به مهم بودن این مسئله، پیشنهاد می‌شود سواد پژوهشی استادان راهنما و مشاور برای ارتقای کیفیت فعالیت‌های راهنمایی و مشاوره تقویت گردد.

یکی از زیرمضمون‌های مهم در این مطالعه، مشکلات کلان جامعه است. مشکلات کلان جامعه شامل زیرمضمون‌هایی مانند دغدغه‌های جامعه، مسئله ساختاری (نگاه کمی گرایانه)، مسائل اجتماعی، مسائل اقتصادی که نجف‌آبادی، چشمه سهرابی و افشار (۱۳۹۰) در پژوهش خود به صراحت به مسائل حقوقی و مالی و پشتیبانی اشاره نموده‌اند که با مورد فوق همخوانی دارد. می‌توان گفت مسئله ساختاری (نگاه کمی گرایانه) در مطالعات (محمدزاده و صالحی، ۱۳۹۵؛ ۱۳۹۴ و قاسمی و صالحی، ۱۳۹۶) که به این مسئله اشاره شده بود، نشان می‌دهد که این مشکل، یک ابرمشکل است، یعنی تا زمانی که مشکلات ساختار و سیستم آموزشی حل نشود، نمی‌توان انتظار داشت در سطوح پایین و زیرین آموزش، مسائل و مشکلات برطرف گردند. مسائل سیاسی، مقاله درآوردن که این زیرمضمون با یافته قاسمی و صالحی (۱۳۹۷) مطابقت دارد، چرا که یافته‌های پژوهش ایشان نشان می‌دهد که رونق یافتن مؤسسات مقاله‌نویسی می‌تواند نشاط و پویایی مراکز علمی و دانشگاهی را از درون با چالش‌هایی جدی همراه و آن‌ها را در تحقق رسالتشان در ارزش‌آفرینی و زمینه‌سازی رفاه و توسعه پایدار و متوازن جامعه، با مشکلات دو چندان مواجه نماید. تنزل یافتن مدرک تحصیلی و موانع کاربست یافته‌های پژوهشی که از یافته‌های پژوهش حاضر است با پژوهش قائمی‌پور و همکاران (۱۳۹۴) که یافته پژوهش آن‌ها نشان داد قابلیت کاربرد و درستی پایان‌نامه‌ها در سطح ضعیف بوده است و با معیار فوق همسو و همراستا بوده است. با توجه به گستره وسیع مشکلات در زمینه مسائل ساختاری، پیشنهاد می‌شود که قوانین و مقررات مربوط به ارتقاء اعضای هیأت علمی

-
1. Tichaona Mapolisa
 2. Onias Mafa

اصلاح شود و این مسئله با بهسازی اعضای هیأت علمی منطبق گردد و در دستور کار قرار گیرد که بدین وسیله زمینه شکوفایی خلاقیت و نوآوری اعضای هیأت علمی در آن فراهم گردد.

از دیگر مشکلات شناسایی شده در زمینه مشکلات پایان‌نامه‌نویسی دانشجویان، مشکلات بروکراتیک بود. مشکلات بروکراتیک شامل زیرمضمون‌هایی نظیر امضا کردن نامه، آیین نامه ۴ ترمه دفاع کردن، کم کردن سنوات مجاز، مشکل در جلسات گروه، سختی در جمع‌آوری داده‌ها، عدم ارتباط با دنیای واقعی، نادیده گرفتن تلاش فرد (خاک خوردن پایان‌نامه‌ها) و آثار سوء تربیتی بود. به نظر می‌رسد با توجه به مرور منظم پیشینه پژوهش، یافته‌های این مطالعه در مطالعات مشابه وجود نداشت و می‌توان این موضوع را به عنوان نوآوری پژوهش حاضر دانست. آشنایی اندک کارشناسان آموزش دانشکده‌ها با روند امضا کردن نامه، آشنا نبودن با سیستم‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری و بروز مشکلات برای دانشجویان تحصیلات تکمیلی ایجاب می‌کند که با توجه به این که کارشناسان نیاز به بازآموزی و آموزش دارند، پیشنهاد می‌شود دوره‌هایی که مربوط به آشنایی آن‌ها با سیستم‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاریست، برگزار شود تا شاهد کارایی و اثربخشی در سیستم آموزشی دانشکده‌ها باشیم. در رابطه با بی‌نظمی در جلسات گروه نیز می‌توان خاطر نشان کرد که مدیرگروه موظف است که با برنامه‌ریزی کامل و هماهنگی، جلسات گروه را تشکیل دهد که تداخلی با دفاع دانشجویان و همچنین تحمل استرس برای افراد به حداقل ممکن کاهش یابد. سهولت در جمع‌آوری داده‌ها برای دانشجویانی که موضوع پژوهشی آن‌ها در بیمارستان‌ها، سازمان ثبت اسناد و املاک، وزارت نفت، زندان‌ها و ارگان‌هایی است که نامه‌نگاری‌های طولانی باید سپری شود و این مسئله سبب بروز ناامیدی و دلزدگی دانشجویان می‌شود، برای کاهش این مسئله پیشنهاد می‌شود تفاهم‌نامه‌هایی لازم‌الاجرا با ضمانت اجرا برای برقراری ارتباط دانشجو با سازمان‌های ثبت اسناد و املاک، وزارت نفت و زندان‌ها و ارگان‌هایی از این دست برقرار شود.

مشکل در انتخاب موضوع، یکی دیگر از مشکلات پرتکرار از ناحیه دانشجویان بود. مشکل در انتخاب موضوع شامل زیرمضمون‌هایی نظیر انتخاب موضوع و تصویب موضوع بود که با یافته پژوهش نجف آبادی، چشمه سهرابی و افشار (۱۳۹۰) و بهی مهر، ریاحی‌نیا و منصوریان (۱۳۹۳) که در آن به مشکل در انتخاب موضوع اشاره شده است همخوان و

همسو می‌باشد و همچنین با یافته پژوهش لاندگرن^۱ و هالورسون^۲ (۲۰۰۹) مبنی بر این که انتخاب موضوع را یکی از عمده‌ترین نگرانی و مشکلات دانشجویان بر شمرده‌اند همراستا و همسو می‌باشد. بر اساس مطالعه حاضر اکثر دانشجویان تحصیلات تکمیلی به مشکل در انتخاب موضوع به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم اشاره کرده‌اند. به نظر می‌رسد انتخاب موضوع پایان‌نامه مهم‌ترین بخش کار پژوهشی است، چرا که دانشجو اگر علاقه‌ای به موضوع پایان‌نامه خود نداشته باشد، نمی‌تواند آن‌طور که باید و شاید به مسئله بپردازد و تا روز دفاع نیز این مشکل گریبان‌گیر او خواهد بود، چرا که باید از موضوعی در مقابل داوران دفاع کند که هیچ علاقه‌ای نسبت به آن ندارد.

از دیگر مشکلات شناسایی شده، مشکلات مادی در این مطالعه بود. مشکلات مادی شامل زیرمضمون‌هایی نظیر ترویج مادی‌گرایی، نداشتن پشتیبانی مالی از پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها و حمایت مالی ضعیف بود که همه این موارد با یافته‌های پژوهش نجف‌آبادی، چشمه سهرابی و افشار (۱۳۹۰) مبنی بر مسائل حقوقی، مالی و پشتیبانی که در پژوهش بیان شده همسو و همراستا است. نداشتن پشتیبانی مالی از همه پایان‌نامه‌ها، یکی از مشکلات شناسایی شده این مطالعه بود. در واقع فقط یک‌سری موضوعات از سمت تعدادی سازمان‌های خاص مورد پشتیبانی قرار می‌گیرد و این مسئله احتمال دارد که دانشجو از سوی ناچاری به سمت این قبیل موضوعات روی بیاورد، در حالی که در واقعیت هیچ علاقه خاصی به موضوع انتخابی ندارد. بنابراین با توجه به شیوع این مشکل، پیشنهاد می‌شود حمایت مالی مناسب از پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها در موضوعات گسترده پژوهشی صورت گیرد. همچنین با توجه به این که استادان دانشگاه برای پایان‌نامه و رساله‌های دانشجویانشان رتبه علمی کسب می‌کنند، پیشنهاد می‌شود دانشگاه نیز کمک هزینه‌ای را به دانشجویان بدهد تا دانشجویانی که در دوران تحصیل خود شغلی ندارند، به مشکل برنخورند.

یکی دیگر از مشکلات پرتکرار در زمینه پایان‌نامه‌نویسی، مشکلات در زمینه اجرای پایان‌نامه بود. مشکلات اجرا شامل زیرمضمون‌هایی نظیر روند اجرای کار و ضعف امکانات پژوهشی بود که در مطالعه ابراهیمی (۱۳۹۰) مبنی بر این که دانشجویان امکانات

1. Lundgern
2. Halvarsson

پژوهش و آینده شغلی را به‌عنوان اصلی‌ترین عوامل برگزیده‌اند، همراستا با یافته پژوهش ما می‌باشد. روند اجرای کار بخصوص در کارهای آزمایشگاهی با مشکلاتی همراه است، چرا که نیاز به تجهیزات خاصی دارد و در صورت تأمین نکردن هزینه‌های آن توسط سازمان‌های ذیربط، دانشجو با مشکلاتی مواجه می‌شود، بنابراین پیشنهاد می‌شود مکان‌های آزمایشگاهی که بیشتر دانشجویان رشته روانشناسی به سمت این قبیل تجهیزات می‌روند، مجهز شوند. با توجه به این که یکی از مشکلات اساسی کمبود ارتباط با استادان دیگر دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها بود، پیشنهاد می‌شود بانکی جامع برای معرفی استادان در دانشگاه و دانشکده‌ها ایجاد شود که ظرفیت یا تمایل استادان به همکاری در پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و رساله‌های دکتری را نشان دهد.

منابع

- ابراهیمی، محبوبه. (۱۳۹۰). شناخت و تحلیل روند تحول پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی در دانشگاه‌های شهید بهشتی، تهران، علامه طباطبایی و تربیت معلم در فاصله سال‌های (۱۳۷۹-۱۳۸۹). دانشگاه شهید بهشتی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران.
- بازرگان، عباس. (۱۳۹۴). مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته: رویکردهای متداول در علوم رفتاری. تهران: نشر دیدار.
- بهی‌مهر، سارا؛ ریاحی‌نیا، نصرت؛ منصوریان، یزدان. (۱۳۹۳). شناسایی مشکلات پایان‌نامه‌نویسی از دیدگاه دانشجویان علم اطلاعات و دانش‌شناسی در دانشگاه‌های شهر تهران. فصلنامه تحقیقات کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاهی، ۴۸ (۱)، ۳۹-۵۹.
- پوررجب‌قاضی‌محله، انیس. (۱۳۸۸). شناخت مشکلات تدوین پایان‌نامه در دوره‌های کارشناسی ارشد دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی. دانشگاه شهید بهشتی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی.
- پورنقی، رویا؛ خسروی، مریم. (۱۳۹۷). بررسی دانش و دلایل دانشجویان درباره سرقت علمی و ارزیابی راهکارهای مناسب: مطالعه موردی کاربران پایگاه علمی ایران (گنج). وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک)

دلاور، علی. (۱۳۹۳). *احتمالات و آمار کاربردی در روان‌شناسی و علوم تربیتی*. تهران: انتشارات رشد.

زارعی، علی. (۱۳۹۸). *واکاوی مشکلات فرایند اجرای پایان‌نامه و رساله‌های دانشجویان دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، دانشگاه تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد آموزش بزرگسالان*.

زارعی، علی؛ دهقانی، مرضیه. (۱۳۹۷). *تجربیات زیسته بازنشستگان کانون اسلامشهر از لحاظ درآمد و استقلال مالی در دوره سالمندی (مطالعه‌ای با روش پدیدارشناسی)*. ارائه شده در اولین همایش سالمندی در ایران (با رویکرد روانی اجتماعی)، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی. ۴۴۹-۴۵۵.

زارعی، علی؛ دهقانی، مرضیه. (۱۳۹۷). *چالش‌های یادگیری الکترونیک: مطالعه‌ای با رویکرد پدیدارشناسی. فصلنامه فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات در علوم تربیتی، ۹، (۱)، ۵۹-۸۱*.

صفایی‌موحد، سعید. (۱۳۹۰). *تبیین تفاوت‌های هنجارهای پنهان (برنامه درسی پنهان) در انتخاب استاد راهنما در دانشکده‌های علوم ریاضی و علوم تربیتی، دانشگاه تربیت معلم، رساله دکتری برنامه‌ریزی درسی*.

صفایی‌موحد، سعید. (۱۳۹۸). *گونه‌شناسی سبک نظارت پژوهشی اساتید راهنما در ایران: از تسهیل‌گری تا فرمان‌دهی دو فصلنامه نظریه و عمل در برنامه درسی، ۷، (۱۳)، ۲۸-۵*. عباس‌پور، عباس؛ شاکری، محسن؛ رحیمیان، حمید؛ فراستخواه، مقصود. (۱۳۹۳). *تحقیق کیفی پیرامون راهبردهای پاسخگویی دانشگاه‌های دولتی از دیدگاه خبرگان آموزش عالی. فصلنامه پژوهش‌های رهبری و مدیریت آموزشی، ۱ (۳)، ۱-۲۷*.

عباس‌پور، عباس؛ مجتبی‌زاده، محمد؛ ملکی، حسن؛ فراستخواه. مقصود. (۱۳۹۵). *نظریه‌پردازی راجع به الگوی مطلوب اعتبارسنجی نظام آموزش عالی ایران به شیوه نظریه‌ی زمینه‌ای. فصلنامه پژوهش‌های رهبری و مدیریت آموزشی، ۳ (۹)، ۸۳-۱۲۵*. قاسمی، مجید؛ صالحی، کیوان. (۱۳۹۶). *بازنمایی موانع و چالش‌های رشد و بالندگی اعضای هیئت علمی جدیدالاستخدام: مطالعه‌ای به روش پدیدارشناسی. فصلنامه آموزش و توسعه منابع انسانی، ۴ (۱۳)، ۲۵-۱*.

قاسمی، مجید؛ صالحی، کیوان. (۱۳۹۷). تحلیل پدیدارشناسانه عوامل درون سازمانی مؤثر بر استفاده از مؤسسات تولید مقاله و پایان‌نامه. *فصلنامه سیاست و فناوری*، ۱۰، (۴)، ۳۵-۴۸.

قائم‌پور، معصومه؛ کرمی، مرتضی؛ امین خندقی، مقصود. (۱۳۹۴). اشاعه استانداردهای ارزشیابی در گزارش پژوهش‌های ارزشیابی آموزشی: کاوشی در پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد. *مطالعات اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی*. ۵ (۹)، ۱۰۱-۱۲۸.

قربانخانی، مهدی؛ صالحی، کیوان. (۱۳۹۶). بازنمایی ویژگی‌های استادان مؤفق آموزش مجازی در نظام آموزش عالی ایران از نظر استادان و دانشجویان: مطالعه‌ای با روش پدیدارشناختی. *فناوری آموزش*، ۱۱ (۴)، ۳۲۷-۳۴۷.

کومار، کریشان. (۱۳۹۰). *روش‌های پژوهش در کتابداری و اطلاع‌رسانی* (فاطمه رهادوست و فریبرز خسروی، مترجم). تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

محمدزاده، زینب؛ صالحی، کیوان. (۱۳۹۴). آسیب‌شناسی نشاط و پویایی علمی در مراکز علمی و دانشگاهی: مطالعه‌ای با رویکرد پدیدارشناسی. *فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان*، ۳ (۱۱)، ۱-۲۵.

محمدزاده، زینب؛ صالحی، کیوان. (۱۳۹۵). تبیین پدیده نشاط و پویایی علمی در مراکز علمی از منظر نخبگان دانشگاهی: مطالعه‌ای با رویکرد پدیدارشناسی. *فصلنامه راهبرد*، ۲۵ (۷۹)، ۲۲۷-۲۵۸.

ملکی، حسن؛ حاجی تبار فیروز جایی، محسن؛ قاسم تبار، سید نبی الله. (۱۳۹۰). تحلیل محتوا پایان‌نامه‌های دانشجویی دوره تحصیلات تکمیلی رشته برنامه‌ریزی درسی دانشگاه‌های علامه طباطبایی، شهید بهشتی و تربیت مدرس (از سال ۸۰ تا ۸۸). *مطالعات برنامه درسی آموزش عالی*، ۲ (۴)، ۱۰۸-۸۵.

میزانی، مهران؛ خبیری، محمد؛ سجادی، نصرالله. (۱۳۹۰). بررسی توانایی‌های دانشجویان کارشناسی ارشد تربیت بدنی و کیفیت راهنمایی استادان در نوشتن پایان‌نامه. *پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی*، ۳ (۱۷)، ۱۱۱-۱۳۴.

نجف آبادی، فهیمه؛ چشمه سهرابی، مظفر؛ افشار، ابراهیم. (۱۳۹۰). بررسی کاربرد پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکتری علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی در کتابخانه‌های شهر اصفهان. *پژوهشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی*، ۱۱ (۱)، ۶۷-۸۸.

- Giorgi, A. (1989) One type of analysis of descriptive data: Procedures involved in following a scientific phenomenological method. *Methods*, 1 (3), 39-61.
- Lihua, M.; Xiaoyan, C.; Xiaohuia, Y (2011). Evaluation method of dissertation based on Unascertained rationam-AHM. *Procedia Engineering*, 15: 4751-4756.
- Lundgern, solveig & Halvarsson, maud (2009). Students' expectation, concerns and comprehension when writing theses writing theses as part of their nursing education. *Nurse Education Today*, 19(5), 527-532.
- Mapolisa, T., & Mafa, O. (2012). Challenges being experienced by undergraduate students in conducting research in open and distance learning. *International Journal of Asian Social Science*, 2(210), 1672–1684. Retrieved from <http://www.aessweb.com/journal-detail.php?id=5007>
- Mhunpiew, N. (2013). A Supervisor's Roles for Successful Thesis and Dissertation. *Online Submission*, 3(2), 119-122.
- Oxford Living Dictionaries, Thesis | Definition of Thesis in English by Oxford Dictionaries, Oxford University Press, 2018 (cited 2018 Apr 29). Available from: <https://en.oxforddictionaries.com/definition/thesis>.